

در ۱۶ اردیبهشت ۸۵ نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی، یکی از مدرسین و محققان مشهور حوزه علمیه قم و نویسنده کتاب شهید جاوید، در ۸۲ سالگی وفات یافت. کتاب «حماسه حسینی» استاد شهید مطهری به دلیل بررسی تاریخ، ریشه‌ها و علل و مسبب پیامدهای واقعه عاشورا که با نگاه صرفاً روایی و نقلی اغلب آثار دیگر متفاوت است، سرشار از نکته‌های خواندنی و شنیدنی است. دلیل دیگر، نگاه آسیب‌شناسانه استاد و دانشا و تبیین برخی از تحریف‌هایی است که درباره حماسه عاشورا صورت گرفته و نکات تازه‌ای که در این باب گفته‌اند. این‌ها و عوامل دیگر، موجب استقبال فوق‌العاده از این کتاب شد و از نشانه‌های اثر گذاری آن این‌که ترجمه آن به عربی نیز با عنوان «الحماسه الحسينیه» در قم چاپ شد. این در حالی است که معمولاً آثار مربوط به امام حسین (ع) از عربی به فارسی ترجمه می‌شود و این نیز خود نشانه اهمیت و نوآوری کتاب است. همچنین خلاصه‌ای از کتاب به صورت کتابی مستقل از سوی دانشگاه امام صادق (ع) در شمارگان بالایی چاپ شده است. از آن‌جا که در بخش‌های اخیر کتاب یادداشت‌هایی از استاد - که اغلب در حاشیه کتاب مشهور، چندیالی و پر تأثیر «شهید جاوید» اثر مرحوم صالحی نجف‌آبادی نوشته شده بود - به چاپ رسید و نیز چون میان این دو استاد، دوستی‌ها و مراودات علمی و مباحثات جزوی (به ویژه درباره قیام عاشورا) مطرح بوده است، مرحوم صالحی نیز در صدد بر آمد که ضمن دفاع از اثر و نظریه خویش و پاسخگویی به یادداشت‌های انتقادی استاد، متقابلاً کتاب و نظریه استاد مطهری را نقد و بررسی کند که حاصل آن کتابی است با عنوان «نگاهی به حماسه حسینی استاد مطهری» در ۲۶۰ صفحه که از سوی انتشارات کویر، مکرر به چاپ رسیده است.

در این گفتار، نخست خلاصه‌ای از نظریات این دو محقق نامدار درباره علل و عوامل قیام عاشورا و سپس نقد استاد مطهری بر کتاب شهید جاوید، و در پایان نقد مرحوم صالحی بر «حماسه حسینی» آمده و اجمالاً ارزیابی می‌شود.

بشری و سیاسی قیام را بررسی می‌کند و در این نوع نگاه متأثر از بزرگان متقدم شیعه همچون شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی است.

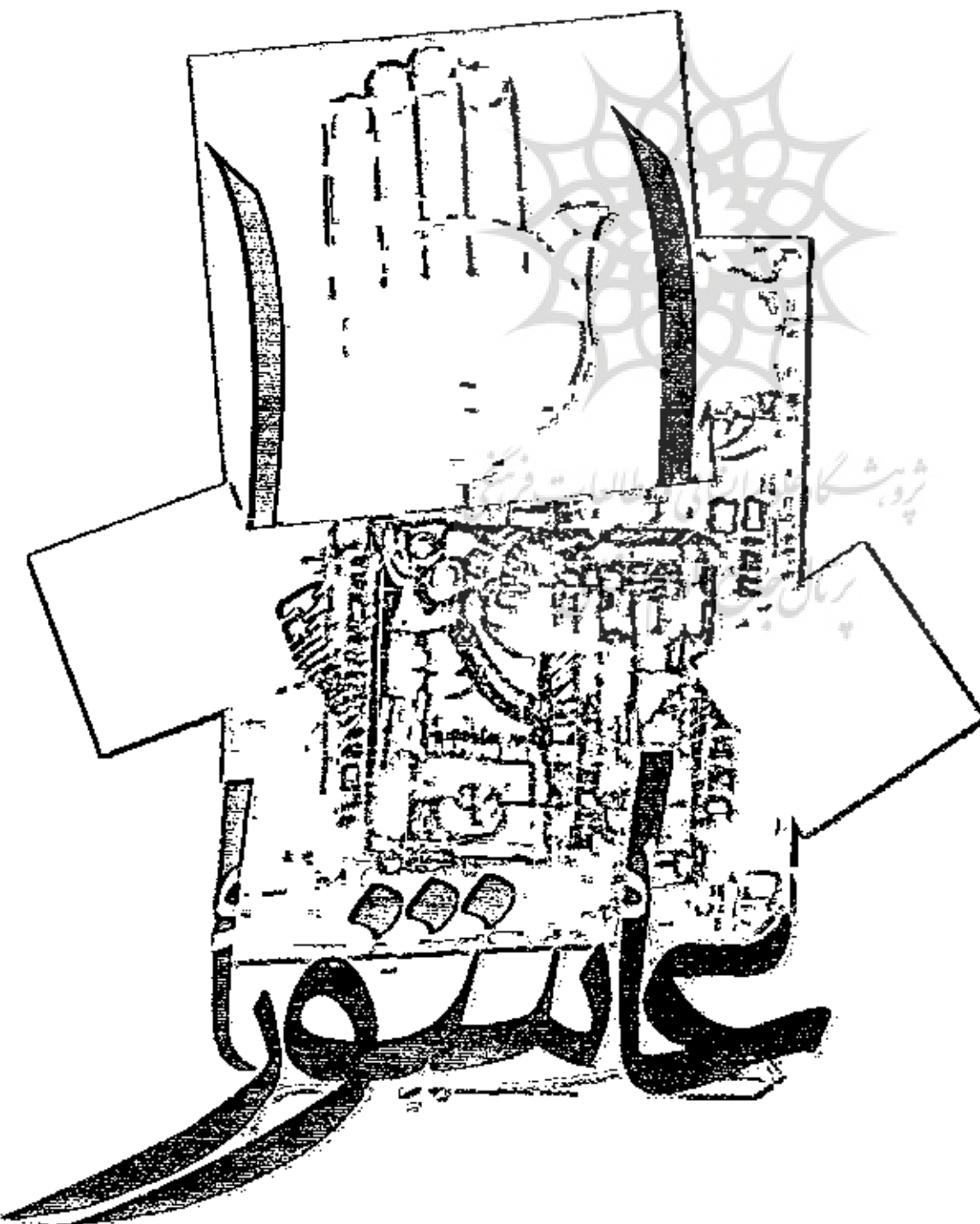
در نقد کتاب «شهید جاوید» کتاب «شهید جاوید» یا این دیدگاه خاص بسیار بحث‌انگیز شد و بالین که بزرگان دیگری همچون امام خمینی (ره) نیز هدف قیام امام را تشکیل حکومت اسلامی دانسته بودند، در کتاب ولایت فقیه و سایر آثار امام همچون صحیفه نور، اما نویسنده متهم به انکار علم امام به شهادت خود شد و خلاصه‌نقدهای کتبی و شفاهی بسیاری علیه او نوشته شد که بعضاً همراه با توهین و حتی تکفیر بود. مرحوم صالحی تا پایان عمر به نقدهای مهم‌تر و علمی‌تر پاسخ می‌گفت. از جمله کسانی که «شهید جاوید» را نقد کردند استاد مطهری

و دکتر شریعتی بودند. شریعتی هدف قیام امام را شهادت می‌دانست و استاد مطهری معتقد بود که هدف اصلی امام، بنابر وصیت نامه معروف ایشان، اصلاح امور از طریق احیای مسیر پیامبر (ص) و علی (ع) و تمرکز به معروف و نهی از منکر بود. حال اگر شرایط مساعد بود و حکومت حق به رهبری امام تشکیل می‌شد، این هدف به گونه بهتری تحقق می‌یافت. و آن‌گاه هم که امام به شهادت رسید، باز گامی در جهت همین هدف و قشای چهاره پانل و منکر حکومت بزرگ بود. استاد مطهری بخش‌هایی از استدلالات شهید جاوید را مست و مبتنی بر مغالطه دانسته و تکیه اصلی امام را نه بر دعوت مردم کوفه بلکه بر نفی بیعت و اقامه فریضه امر به معروف و اصلاح جامعه که اهم از تشکیل حکومت حق است دانسته و بر خلاف

مرحوم صالحی، اقدام مسلحانه برای تشکیل حکومت در کوفه و سرنگونی بنی‌امیه را دلاری زمینه اجتماعی و سیاسی کافی نمی‌دانسته است. مرحوم صالحی نجف‌آبادی در پاسخ به گفتار استاد مطهری در کتاب «نگاهی به حماسه حسینی» به رد گفتار استاد ایشان پرداخته و با ادعای محترمانه و علمی به دفاع از نظریه خویش و متقابلاً از نقدهای انتقادی استاد و کاستی‌های کتاب «حماسه حسینی» برخاسته و برخی از منابع استاد را از نوع همان مطالب بی‌اعتبار مورد انتقاد ایشان نام برده است که داری دقیق‌تر میان این دو استاد و دو نظریه مهم ایشان را باید به فرستی دیگر و مجالی مناسب‌تر و نهاد در این جا فقط این نکته را یاد آورد تا کید قرار ندیم که گفتار مرحوم صالحی، حتی اگر هم وارد باشد، اغلب در موارد جزئی است و به

از حماسه تا حماسه

پروسی در کتاب «شهید جاوید» و استاد مطهری در کتاب «نگاهی به حماسه حسینی»



نویسنده «شهید جاوید» معتقد است که قیام امام حسین (ع) به هدف شهادت نبوده بلکه برای تشکیل حکومت اسلامی بوده است. وی می‌گوید در مرحله اول قیام که هجرت از مدینه به مکه بود، امام با سرپیچی از بیعت یزید مشغول بررسی این موضوع بود که تشکیل حکومت ممکن است یا نه. در مرحله دوم که حرکت به سوی کوفه بود، امام در پاسخ به دعوت کوفیان تصمیم به مبارزه مسلحانه با هدف تشکیل حکومت گرفته بود. در مرحله سوم قیام پس از رویرو شدن با سپاه حراست که امام سعی در جلوگیری از خونریزی و برقراری صلح شرافتمندانه داشت. در مرحله چهارم که دشمنان اقدام به تهاجم کردند، امام به مقاومت و دفاع تا سرحد شهادت پرداخت. خلاصه این‌که برای امام پیروزی نظامی و تشکیل حکومت اسلامی در عراق، تکمیل کار امام علی (ع) و امام حسن (ع) مطلوب درجه اول، صلح شرافتمندانه مطلوب درجه دوم و کشته شدن و شهادت به عنوان امری اجتناب‌ناپذیر و تعیینی، مطلوب درجه سوم آن حضرت بوده است (۱).

بنابر این رویکرد نویسنده به قیام، نه عطفی بلکه عطفی و تحلیلی است و بر این مبنا که امام طبق روند طبیعی و علم عادی عمل می‌کرده است. وی منکر علم غیبی امام نبوده و غایبی خواسته چنین



اصل نظریه و دیدگاه استاد شهید لطمه‌های نمی‌زند در ادامه چکیده‌ای از کتاب «نگاهی به حمله» مرحوم صالحی همراه با نقدهای کوتاه می‌آید. خلاصه کتاب «نگاهی به حماسه حسینی استاد مطهری»

کتاب در چهار بخش (برداشت‌های ابتدایی استاد، تناقضات در سخنان استاد، اشتباهات تاریخی استاد و اعتماد استاد به منابع بی‌اعتبار) تنظیم شده است. چنان که گفتیم استاد شهید مطهری در کتاب «حماسه حسینی» به شیوه‌های گوناگون به تبیین قیام و نهضت امام حسین (ع) پرداخته و مخصوصاً در جلد سوم به شدت با تحریف‌های پیرامون این نهضت به طور مستدل و منطقی به مبارزه برخاسته است. استاد شهید در بخشی از کتاب نظرانی انتقادی نسبت به کتاب شهید چایبده ایراد می‌دارد که آقای صالحی مولف کتاب مزبور این موضوع را به‌یادگار داده و مروج مطالبی را به عنوان نقد نظرات استاد و در جهت دفاع از نظرات خویش به رشته تحریر در آورده است. البته مرحوم صالحی نیز تأکید کرده است که استاد مطهری از انطباق مطالب این کتاب را قبلاً در زمان‌های متفاوت یادداشت نمودند و هنگام تدوین فرصت بازنگری مجدد نیافته و همین امر موجب شده تا استاد در پارای از موارد دچار تناقض گویی، سنجش‌ناپذیری و اشتباهات تاریخی شوند. اما چکیده کتاب مرحوم صالحی:

بخش اول: در این بخش «برداشت‌های ابتدایی استاد» مطرح گردیده و به نظر آقای صالحی استاد مطهری فرصت بازنگری در آن‌ها را نیافته است. که استاد احدى نهضت امام حسین (ع) را تصویب نمی‌کرد.

جواب: نقد عدم تأیید نهضت از آن جهت بود که فوق نظر عقلانیت نه دین نظر آن‌ها.

بداهت و سخنان امام دلالت بر این دارد که می‌خواستند نظر عقلا و سیاستمداران عاقل را جویا شوند.

حج امام به سیره چش رسول خنایس و پدرش علی (ع) عمل می‌کردند که در جنگ‌ها مشورت می‌کردند.

د امامان مسلمین عقول را به کوفه فرستاد تا نظر مردم کوفه را جویا شوند.

و امام نظر خود را تمیل نکرده حتی یقوان را نیز آزاد گذاشت تا به رای خود عمل کنند. کما این که فقط حضرت زینب (س) و ام کلثوم به قولی فالسبه با امام همراه شدند.

و اگر یگویم امام به گفته ناصحان گوش ندادند این مطلب خواسته بی‌امیه است که چنین نامود می‌کردند که حرکت امام عقلا نه بوده است.

استاد ۱- وقتی خیر کشته شدن مسلم به امام رسیده برای او مسلم گشت که کشته خواهد شد.

۲- امام در این مرحله برای جلوگیری از جنگ هیچ فمبارتی نکردند. ۳- امام از هنگام برخورد یا حر تا پایان کربلا کوشش می‌کردند که افراد بیشتری را به صحنه جنگ بکشند.

جواب: ۱- امام بعد از برخورد با حر حالت تدافعی داشتند و سعی می‌کردند به تقویت نیروهای دفاعی خود بپردازند.

۲- امام از وقتی در محاصره حر قرار گرفت تا روز علشورا حداقل پنج بار پیشنهاد جمعیت کرد.

۳- اصحاب امام حسین (ع) در روز علشورا کوشش زیادی کردند که افراد اردوی عمر سعد را به پاری امام جلب کنند.

۴- امام سعی وافر داشتند تا خود شروع به جنگ نکنند.

۱- امام بعد از برخورد با حر حالت تدافعی داشتند و سعی می‌کردند به تقویت نیروهای دفاعی خود بپردازند.

۲- امام از وقتی در محاصره حر قرار گرفت تا روز علشورا حداقل پنج بار پیشنهاد جمعیت کرد.

۳- اصحاب امام حسین (ع) در روز علشورا کوشش زیادی کردند که افراد اردوی عمر سعد را به پاری امام جلب کنند.

۴- امام سعی وافر داشتند تا خود شروع به جنگ نکنند.

۵- احتمال پیروزی امام در روز علشورا اگر چه اندک بود ولی کملاً منتفی نبود زیرا اولاً نیروهای امام با عشق و ایمان و بدون ترس می‌جنگیدند.

ثانیاً فرماندهی امام در لوح دقت و درایت همراه با قاطعیت و صلابت بود. ثالثاً نیروهای دشمن بی‌روحیه و در حال بیهوشی و رعب بود.

چنگا عده کسی بر افراد کثیری پیروز شده بودند.

استاد هیچ کس نمی‌گوید امام حسین (ع) نمی‌خواستند است تشکیل حکومت بدهند.

جواب: گویی استاد می‌خواهد بگوید شهید چایبده بر عموم گویندگان و نویسندگان و مردم حاکم بود که می‌گفتند «امام حسین (ع) تمیز به شهادت کرده و خود را دلخته به کشتن دلخته است». شهید چایبده می‌خواستند است ثابت کند که قول سیفیر تفتی و شیخ طوسی که می‌گویند «امام حسین (ع) می‌خواستند تشکیل حکومت بدهند» فراموش شده است. کما این که در کتاب‌های «مقصد الحسین» زاهدی قمی و «شهادت» دکتر شریعتی هم بر عدم قصد امام جهت تشکیل حکومت تأکید شده است.

استاد اثر یک نفر از اصحاب امام حسین (ع) به دشمن ملحق می‌شده برای امام و مکتب او نقص محسوب می‌شد.

جواب: اولاً طبری از فرجه‌های نقل می‌کند که در روز علشورا فردی به نام مرقع بن لثامه به اردوی دشمن پیوسته. ثانیاً در جنگ‌های حضرت علی (ع) نیز افرادی به دشمن می‌پیوستند و نقصی برای مکتب آن حضرت نبود.

استاد اگر امام حسین (ع) سپاه عظیمی داشت قیامش مقصد نبود.

جواب: اولاً امام با توجه به گزارش مسلم از کوفه و بصره صد هزار تنوری رزمنده دلوطلب داشتند. ثانیاً مگر امام علی (ع) و امام حسن (ع) برای مقابله با معاویه نیروهای عظیمی بسیج نکرده بودند. آیا قیام آنان مقدس نبود؟

استاد افرادی به امام می‌گفتند در سحر کوفه قطعاً آگشته خواهد شد و امام می‌فرمودند خودم همی‌دهم.

جواب: افرادی که با سفر امام به کوفه مخالفت بودند مانند ابن عباس و عبدالله بن جعفر و عبدالله بن عمر و عبدالله بن مطیع و همزین عبدالرحمن و عمر بن لوزان هیچ‌کدام به امام نگفتند شما حتماً کشته خواهید شد بلکه از خطر درگیری نظلمی و امکان شکست با دشمنان شهادت سخن گفتند.

استاد مولف شهید چایبده گفته است یکی از پیشنهادهای امام حسین (ع) تسلیم بلاشرط وی بوده است.

جواب: شهید چایبده در مورد صلح امام حسین (ع) نوشته است «امام به پیشنهاد داد که اگر هر یک از آن‌ها اجرا می‌شد بدون تردید حافظ صلح بوده که یکی برگشت به وطن دیگری رفتن به مرزین دیگر و موسمی حل کردن مشکل به طور مستقیم یا بیزه است و هرگز پیشنهاد تسلیم بلاشرط را مطرح نکرده است» زیرا در آن صورت آن‌ها حتماً موافقت می‌کردند و من موضوع تسلیم بلاشرط را با هیچ‌یک از عاشرین دلخواه‌ها نکرده‌ام.

بخش دوم: این بخش با عنوان «تناقضات سخنان استاد» شامل شش تناقض است که نمونه‌ای از آن‌ها در زیر می‌آید:

یکم - استاد ۱- امام حسین (ع) از شروع به جنگ پرهیز می‌کرد. ۲- امام کوشش می‌کرد افراد بیشتری را جذب کند تا آنان نیز در نبرد حضور داشته باشند. ۳- امام حسین در صدها دست گرفتن حکومت و زعامت بود.

جواب: چگونه ممکن است امام هم از جنگ پرهیز نماید و هم بخواهد که خون بیشتری ریخته شود و هم به فکر حکومت باشد؟

دوم - استاد ۱- اگر به عمل امام جنبه فوق انسانی پدید می‌تواند به او اقتدا کرد. ۲- امام حسین بر صغای جنبه ملغوق بشری زین را در سفر کوفه همراه خود برد.

جواب: خود استاد در جایی می‌فرماید هر اندازه در سار نهضت امام حسین (ع) از جن و ملک و خواب و بیداری و دستورهای خصوصی زیاد گفته

شود این نهضت را می‌صرف می‌کند ولی در این جا از دستوری که امام در عالم رویا از پیامبر گرفته است سخن می‌گوید. ضمن این که این حدیث هم اعتبار ندارد.

صوم - استاد ۱- مردم کوفه لاشکر باریان این معنی از شعیبان علی (ع) و امام حسین (ع) را شعیبان کشندند. ۲- لشکر باریان این معنی دشمنان علی (ع) بودند.

جواب: آن معنی است نه این که همه لشکر باریان این معنی از شعیبان علی (ع) بودند و نه همه آن‌ها از دشمنان آن حضرت شمرده می‌شدند.

چهارم - استاد ۱- صد هزار نفر از مردم کوفه نامه‌های دعوت امام حسین (ع) را برای قیام امضا کردند.

جواب: معلوم نیست همه جمعیت کوفه آیا به صد هزار نفر می‌رسیده است یا نه؟

بخش سوم: اشتباهات تاریخی اول - استاد امام حسین (ع) هنگام خروج از مکه آیه «فخرج منها خائفاً یترقب» را خواند.

جواب: این آیه را امام هنگام خروج از مدینه تلاوت کردند.

دوم - استاد بعد از رسیدن خیر قتل مسلم امام به پنی عقیل فرمود قتل مسلم برای شما کافی است. بر گردید اولی پنی عقیل نپذیرفتند.

جواب: این موضوع را امام در غروب روز تاسوعا فرمودند.

سوم - استاد شمس یارن امام که بعد از رفتن اعراب باقی ماندند شاید از بیست نفر بیشتر بود.

جواب: شیخ مفید تعداد اصحاب امام را هفتاد و نفر، مسعودی شصت و یک نفر، مروج الذهب صد و پنجاه نفر و روایتی از امام باقر (ع) یکصد و چهل و پنج نفر ذکر کرده است. هیچ منبعی بیست نفر نگفته است.

چهارم - استاد ملای رومی گفته است «عمر بن عبدالودود آب دهن به صورت حضرت علی (ع) نداشت».

جواب: داستان ملای رومی در مورد چوایی است که بعداً همراه پنجاه نفر از اقوامش مسلمان می‌شود. در حالی که عمر بن عبدالودود مرد مسنی بوده که در آن جنگ کشته می‌شود.

بخش چهارم: برخی از سخنانی که استاد از منابع بدون اعتبار نقل فرمودند:

۱- امام به قاسم بن حسن فرمود تو هم فرودا پس از آن که مینابله بالای سختی می‌روی شهید خواهی شد.

۲- استاد حدیثی طولانی از امام امین نقل می‌کند که دارای اعتبار نیست.

۳- اسرار و خوست کردند از قتلگاه عبور کنند.

۴- پاهای امام سجاد را به زیر شکم مرکب بستند.

۵- اسرار خود را از مرکب‌هایی روی زمین انداختند.

نقدی بر کتاب «نگاهی به حماسه حسینی»

۱- استاد مطهری لقبی برای مخاطب عام می‌گفت و می‌نوشت. حت به طوری که در پای منبر او از دلش جوی و طربه گرفته تا استاد دانشگاه و مردم کوچک و بزرگ، هر کس به قدر تشنگی از این دریا می‌چشیدند لذا استاد تعداد گوناگون این نهضت را مورد مناقه قرار می‌دادند. در حالی که سخنان مرحوم صالحی را که بیشتر جنبه‌های سیاسی اجتماعی نهضت امام را شامل می‌شد فقط عده خاصی در می‌یافتند و همین امر باعث شد که به قول خودشان «مردم قربتانی الله به او سنگ بزنند» که چرا قیام چند جانبه امام از بعد زمینی و بشری بررسی کرده است.

۲- مرحوم صالحی عنوان یکی از فصول کتاب را «تناقضات در سخنان استاد» گذاشته است. در حالی که شیوه استدلال استاد در هر مطلب چنین است که تمامی اقوال مربوط به آن موضوع را بررسی می‌کند. آقای صالحی بدون در نظر گرفتن

این موضوع سخنان استاد را که در موقعیت‌های مختلف و به مناسبت خاصی ایراد فرموده‌اند به عنوان تناقض قلمداد کرده است.

۳- در کتاب مرحوم صالحی طوری رقم‌بندی شده است که گویی «حماسه حسینی» پر از اشتباهات تاریخی، تناقض و برداشت ابتدایی است. حال آن که چنین نیست و کل این اشتکالات حجم اندکی از آن کتاب است.

۴- برخی از مطالب استاد مانند «قدرت فوق بشری امام» «دانشتن علم لدنی» «عسورت یا افراتیان» و موضوع «هر به معروف و نهی از منکر» و «همه مهم‌تر» تشکیل حکومت توسط امام» از مواردی هستند که جای تفسیر و برداشت‌های متعدد دارند لذا استاد مطهری در شرایط مختلف و با توجه به موقعیت‌های پدید از آن‌ها را مطرح می‌نماید که آقای صالحی بدانشتانه استاد از ایماز دیگر قضیه غافل بوده‌اند.

۵- بی‌تردید اگر استاد مطهری مجال کافی می‌یافت که بر اساس یادداشت‌ها و مطالعات و تأملات خویش کتابی پیرامون «پیوسته از خویش بر جای گذارد» امروز به سامتی به مراتب کامل‌تر و متقن‌تر روی آورده بود. اما اصلاً نظریه ایشان و دلایلش همچون اکثر دیگران عمدتاً محکم و عالمانه و دقیق است و شایان هر گونه مناقه و تأمل و اگر هم برخی اشتکالات وارد باشد جزئی است. نظیر این که آیا مردم کوفه آن قدر با سواد بودند که در مدت کمتر از آساله ۱۸۰۰۰ نامه به امام حسین (ع) بنویسند البته این نکته‌ای است که استاد مطهری نه در کتاب حماسه حسینی بلکه در «سیری در سیره ائمه اطهار (ع)» اظهار داشته است. چنان که می‌بینیم بر فرض محدود بودن به اصل مطلب که تعداد نامه‌ها قابل توجه بوده ضروری نمی‌باشد.

۶- استاد مطهری در کتاب «حماسه حسینی» مباحث جامع و کاملی پیرامون قیام و نهضت حسینی ارائه داده‌اند که تا این زمان کم نظیر و گاه بی‌نظیر است و حتی شعر معروف «محتشم کاشانی» را فراخانی از توجه به عامل سیاسی - اجتماعی به عالم طبیعت قلمداد نمود. نیز طرح موضوع تشنگی امام را دست‌آویز برخی منبری‌ها برای گریستن بیشتر مردم دانستند. در این میان اند نکالاتی نیز بر شهید چایبده داشتند که سال‌ها هیچ منتقدی نتوانست بر این گفته‌ها چک‌تقریب ایرادی وارد آورد. در واقع استاد مطهری توانست با طرح این گونه مباحث امام حسین (ع) و نهضت او را از جایگاه غیرقابل دسترس به محیط اجتماع وارد نماید. ضمن این که قنقنست آن را نیز محفوظ داشت. بی‌سبب نیست که حضرت امام خمینی (ره) آثار استاد مطهری را بدون استثنا خالی از هر عیب و ایرادی می‌دیدند. اما مرحوم صالحی با آوردن سه ریز مباحث و عمده کردن برخی موضوعات مورد مناقشه گاه کل مطالب را زیر سوال بردند.

۷- استاد مطهری گفته است که این که یک محقق فیلسوف و فقیه بود، مصحح اجتماعی نیز بود لذا طبیعی است که در طرح مباحث خود نگاهی هم به جامعه داشته باشند و پیامد هر بحث را پیش‌بینی نمایند. در حالی که مرحوم صالحی صرفاً به تحقیق و اصول علمی می‌انگشاید.

۸- جای هیچ گونه شک و شبیه نیست که آن مرحوم صالحی از روی حسن نیت و علاقه به امام حسین (ع) در صدد پاسخ گویی به مطالب استاد مطهری برآمده‌اند و در همه حال از استاد شهید با کمال احترام و ارادت یاد کرده‌اند. بنابراین این گونه احتجاجات همواره مبارک و موجب تنویر افکار بوده است.

پانزدهمین کتاب: ۱- صالحی نجف آبادی، نقدنامه شهید چایبده ص ۱۶۹.

۲- مطهری، مرتضی، سیری در سیره ائمه اطهار، انتشارات صدرا ص ۶۰.

www.iranianhistory.com